

نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاهها

عین‌الله خادمی^۱

چکیده

ارکان دانشگاه و هدف از اسلامی شدن دانشگاهها، تشریح صفات و روحیاتی که دانشگاهیان و به خصوص دانشجویان با دارا بودن آنها بهتر می‌توانند در راه اسلامی شدن دانشگاهها گام بردارند، با عنایت به روایات و احادیث معصومین و سخنان بزرگان انقلاب اسلامی؛ محتوای این مقاله را در برمی‌گیرد.

واژگان کلیدی

دانشگاه، دانشجویان، دانشگاه اسلامی .

۱. مدرس گروه معارف دانشگاه تربیت معلم.

مقدمه:

قبل از این بحث، از جهت منطقی ضروری است^۱ به صورت مجمل به دو مسأله «ارکان دانشگاه» و «معنای اسلامی شدن دانشگاه‌ها» اشاره گردد. لذا به صورت مختصر و تا حدی که برای تبیین موضوع مان ضروری است در ابتدای مقاله بدان‌ها اشاره می‌کنیم و در گام بعدی موضوع مان را پی خواهیم گرفت.

۱- ارکان دانشگاه چیست؟

دانشگاه سازمانی است که اساس آن از ارکان ذیل تشکیل می‌گردد:

الف - استاد

ب - دانشجو

ج - مدیران و کارکنان

د - منابع و متون درسی

ه - سیستم آموزشی

۲- مراد از اسلامی شدن دانشگاه چیست؟

مراد از اسلامی شدن دانشگاه این است که تمام این ارکان همسو و هم جهت با ارزش‌ها و ایده‌های اسلامی باشند، یا حداقل در تعارض با الگوها، ارزش‌ها و آرمان‌های والای الهی - انسانی نباشند، استاد ما واجد ارزش‌های متعالی الهی متناسب با مقام استادی خود؛ دانشجوی ما متّصف به صفات محموده و خصایص حمیده‌ی ارائه شده از سوی مکتب اسلام و مدیران و کارکنان دانشگاه متخلق به اخلاق اسلامی؛ منابع و متون درسی و سیستم آموزشی دانشگاه زمینه ساز پرورش فارغ التحصیلانی متخصص، متعهد، درد آشنا، دلسوز و محب نسبت به اسلام و مسلمین باشند.

با این مقدمه به نقش دانشجویان در اسلامی کردن دانشگاه‌ها می‌پردازیم.

۲. تا ارکان دانشگاه معلوم نشود و مراد از اسلامی شدن دانشگاه‌ها تعیین نگردد، نمی‌توان نقش دانشجویان را - که یکی از ارکان و عناصر دانشگاه هستند و در تعامل مستمر و مداوم با سایر عناصر این سیستم می‌باشند - در این سیستم بزرگ فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

ما برای تبیین نقش دانشجو به تفسیر صفاتی که باید دانشجو در یک دانشگاه اسلامی داشته باشد، اشاره می‌نماییم. اگر دانشجو اهتمام نماید متصف به صفات ذیل باشد، در واقع بخش عمده‌ای از اهداف دانشگاه اسلامی بر آورده می‌شود. چون در میان ارکان پنجگانه‌ی مذکور، دانشجو مهم‌ترین جایگاه را دارد و هدف غایی کل سیستم نیز پرورش چنین انسانهای والایی می باشد. دانشجو در این سازمان بزرگ فرهنگی به نام دانشگاه اسلامی می تواند نقش علت فاعلی، مادی، صوری و غایی را داشته باشد و هیچکدام از ارکان دیگر واجد این نقش چهارگانه نیستند. البته نقشها یا صفاتی که بیان خواهیم کرد بدین معنا نیست که در تحقق این اهداف غیر از دانشجویان، بقیه‌ی ارکان هیچ نقشی ندارند و تمام مسؤولیت به عهده‌ی دانشجویان است، بلکه به عکس، ما اعتقاد راسخ داریم که همه‌ی ارکان پنجگانه‌ی دانشگاه در فعل و انفعال مستمر با یکدیگر هستند و نمی‌توان با تغییر یکی از ارکان بدون دگرگونی در ساختار ارکان دیگر، نتیجه‌ی مطلوب را انتظار داشت. انتظار وصول به شرایط بدون دگرگونی ساختاری و بنیادی در همه‌ی ارکان پنجگانه‌ی قطور و معظم دانشگاه؛ آرمانی غیر قابل وصول و دور از صواب اندیشی است. اما به جد بر این باوریم که تغییر بنیادی در هر بخشی، بدون همکاری، همدلی، هم‌رأیی عاقلانه و صمیمانه‌ی نیروهای انسانی دخیل در آن بخش، غیر قابل تحقق است. دانشجویان می‌توانند با ایجاد احیاء و ارتقای روحیات، صفات و افعالی که بدانها اشاره می‌نماییم نقش خود را ایفا نمایند:

۱- عشق به حضرت حق

دانشگاه اسلامی مطلوب بایستی همه‌ی نیروهای انسانی دخیل در آن، از جمله دانشجویان، سراسر وجودشان مالا مال از عشق به حضرت حق سبحانه و تعالی باشد و یاد خدا قلبهایشان را به خشیت اندازد، تلاوت آیات الهی بر ایمانشان بیفزاید و در تمام صحنه‌های زندگی به نیروی لایزال قادر بی‌بدیل تکیه نمایند.

«انما المؤمنون الذین اذا ذُکِرَ اللهُ و جلت قلوبهم و اذا یلیت علیهم ایتة زادتهم ایماناً و علی ربهم یتوکلون»^۱؟

و دانش پژوهان ما به درک این نکته‌ی ظریف نایل آیند که قلب انسان حرم الهی است و در حرم الهی هیچ غیری نباید مأوی گزیند.

قال الصادق (ع): القلب حرم الله فلا یسکن حرم الله غیر الله.^۲

اگر کسی به چنین مقامی نایل گردد در آن موقع همنوا با امام عارفان و شهیدان، ندا خواهد داد:

بار الهی اگر کسی تو را گم کرد چه چیز را یافته است و اگر کسی تو را یافت چه گم کرده است؟ هر کس به غیر تو مایل شد از همه چیز محروم شد و هر که روی طلب از تو گرداند، خسران دید. چگونه چشم امید به غیر تو داشته باشد، در صورتی که تو هرگز قطع احسان از بندگان نکرده و نخواهی کرد .

«ماذا من فقرک و ما الذی فقد من وجدک، لقد خاب من رضی دونک بداء و لقد خسر من بفی عنک متحولاً کیف یرجی سواک و انت ما قطعت الاحسان»^۳.
در چنین حالتی است که از حریم امن الهی و از سوی معبود همه‌ی عباد و معشوق همه‌ی عشاق به او نوید داده می‌شود:

هنگامی که بنده‌ام با تمام وجود به من توجه کند، من لذت، نشاط و مرادش را در ذکر خودم قرار می‌دهم و هنگامی که لذت، نشاط و مرادش را در ذکرم قرار دادم، او عاشق من می‌گردد و هرکس از روی حقیقت عاشق من می‌گردد، من نیز عاشق او می‌گردم و حجابی را که بین او و من است، زایل می‌گردانم. وقتی که حجاب بین رب و مربوب برداشته شود، در این صورت سالک به مقامی می‌رسد، در مواضعی که مردم دچار اشتباه می‌شوند، او به خاطر سیر در طریق روشن الهی از هرگونه اشتباهی مصون خواهد ماند. این عالی‌ترین مقامی است که طالب در پی مجاهدت می‌تواند بدان دست یابد.

۱. انفال / ۲ .

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵.

۳. قمی، شیخ عباسی، کلیات مفاتیح الجنان، دعای الجنان، دعای امام حسین(ع) در روز عرفه، ص

قال رسول الله (ص):

يقول الله عز و جل، اذا كان الغالب على العسر الاشتغال بي جعلت بغيته و لذته في ذكري، فاذا جعلت بغيته و لذته في ذكري، عشقني و عشقته رفعت الحجاب فيما بيني و بينه و صيرت ذلك تغالبا عليه (اسيهو اذا سها الناس)'.^۱

۲ - تهذيب مستمر

چون نفس اماره‌ی انسانی دائماً انسان‌ها را به سوی زشتی‌ها و پلیدی‌ها سوق می‌دهد، لذا هر انسانی من جمله دانش پژوهان باید در مبارزه‌ی مستمر با این نفس بدخواه و بدفرمای باشند و در این مبارزه از الطاف بیکران الهی استمداد جویند.

«و ما ابری ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربي ان ربي غفور رحيم»^۲

از پیروزی و موفقیت‌های اولیه نباید سرمست و مغرور شود، چون این سرمستی از مکاید خفیه‌ی این نفس است بلکه باید بدین نکته ظریف توجه داشت که اساطین و استوانه‌های عالم هستی از حرص و ولع بی‌حد و حصر این نفس بد فرمای و سوق دادن به سوی مهلکه‌های خطرناک به بارگاه با جلال حضرت حق شکایت می‌برند و از او استمداد می‌طلبند.

«الهي اليك اشكوا نفسا بالسوء اماره و الي الخطيئه مبادره و بمعاصيك مولعه و لسخطك متعرضه تسلك بي مسالك المهالك»^۳؟

بدین خاطر است که حضرت ختمی مرتبت در استقبال از فاتحین در جنگ با دشمنان برون می‌فرماید: «مرحبا بر کسانی که از جهاد اصغر پیروز برگشتند و جهاد اکبر برای آنها باقی است!! پرسیدند جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، عنوان ۳۵۶ (العشق)، حدیث، ۱۲۷۳۱.

۱. یوسف / ۵۳.

۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای خمس عشر، امام سجاد(ع)، دعای دوم (مناجات

الشاکین)، ص ۳۴۸.

ای شهان کشتیم ما خصم برون

ماند خصمی زو بتسر در اندرون

کشتن این، کار عقل و هوش نیست

شیر باطن سخره‌ی خرگوش نیست

قد رجعنا من جهاد الاصغریم

با نبی اندر جهاد اکبریم

قوتی خواهیم ز حق دریا شکاف

تا به ناخن بر کنم این کوه قاف

سهل، شیری دان که صفها بشکند

شیر آن را دان که خود را بشکند

اگر طالبی تنها در صدد کسب علم و تخصص باشد و به تهذیب مستمر درون

خویش نپردازد، اشتباه او با اشتباه انسان‌های دیگر فرق می‌کند، چون علاوه بر

گمراهی خود، کثیری را نیز گمراه خواهد کرد.

بدین خاطر است که مولای عالمان و امیر متقیان می‌فرماید:

«زله العلم کبیره الجنایه»!

عالمان ناپالوده درون را، مسلح کردن به سلاح علم، بدتر از دادن تیغ در کف

زنگی مست است.

بد گهر را علم و فن آموختن دادن تیغ است دست راهزن

تیغ دادن در کف زنگی مست به که آید علم، ناکس را به دست

چنین افرادی به جای آنکه علم را به سوی بارگاه قدس الهی رهنمون گردانند،

آنها را از درگاه رحمانی مطرود می‌گردانند.

سامری را آن هنر چه سود کرد کان فن از باب الهش مردود کرد

چه کشید از کیمیا قارون بین که فرو بردش به قعر خود زمین

بدین خاطر دانشجویان باید در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کنند برای رسیدن

به سعادت و کمال، علاوه بر تحصیل علم به تهذیب درون نیز توجه بلیغ بنمایند و

بدین باور ایمان داشته باشند که اگر تقوی پیشه کنند، خداوند به آنها معرفتی عطا خواهد کرد که در تشخیص حق و باطل دچار خطا و اشتباه نمی‌گردند.

«یا ایها الذین امنوا تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً»^۱

دانشگاه اسلامی ایده‌آل دانشگاهی است که همه‌ی اساتید، دانشجویان و کارکنانش متصف به چنین محامدی باشند. رهبر گرامی انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره‌ی دانشگاه اسلامی چنین می‌فرماید:

«دانشگاه سه چیز لازم دارد: اول علم. البته اول و دوم می‌گویم نه اینکه این جلو از آن است. بلکه یعنی این سه چیز که باید تحصیل علم می‌کنید اگر نکردید بودنتان اینجا بی‌فایده است.

دوم دین و اخلاق و تهذیب. اگر هم پایه‌های دینی بیرون اینجا متزلزل بوده در محیط خانواده، محیط جامعه یا محیط دبیرستان‌ها، فرصت آموزش دین و تهذیب اخلاق پیدا نکردید، اینجا آنجایی است که دختر و پسران بتوانید تهذیب اخلاقی برای خود فراهم کنید و باید بکنید و سوم بینش سیاسی و شعور سیاسی و تلاش سیاسی. این سه چیز به موازات هم لازم است وجود داشته باشد ما دانشگاه را منحصر به سیاست نمی‌کنیم و آن دو چیز دیگر را هم لازم می‌دانیم»^۲.

۳- عاشق علم بودن نه طالب مدرک بودن

یک دانشجوی مسلمان در دانشگاه اسلامی باید آموختن علم را به عنوان یک فریضه برای خود و هر مسلمانی تلقی کند.

قال النبی (ص):

« طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة »^۲.

۲. انفال / ۲۹.

۱. سخنرانی در جمع دانشجویان در مسجد دانشگاه تهران به تاریخ ۶۹/۹/۱۴ به نقل از «جزوه‌ی اسلامی شدن دانشگاهها» ص ۱۶، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

۲. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، ج اول، باب اول، ص ۳۹.

و این فریضه اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه باید در تمام دوران حیاتش پژوهنده‌ی علم و معرفت باشد.

قال الصادق (ع):

«طلب العلم فریضه فی کل حال»^۱.

و بداند که یکی از مهم‌ترین راه کسب درجات در نزد حق، علم است.

«یرفع الله الذی امنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات»^۲؟

دانشجوی مسلم باید یقین داشته باشد که رأس همه‌ی فضایل و غایت همه‌ی محامد علم است.

قال علی (ع):

« رأس الفضائل العلم، غایه الفضائل العلم»^۳

و بر این باور باشد که رأس و منشأ همه‌ی خیرات علم است و منشأ همه‌ی شرور جهل است.

قال رسول الله (ص):

« العلم رأس الخیر کل و الجهل رأس الشر کل»^۴.

قال علی (ع):

العلم اصل کل خیر، الجهل اصل کل شر^۵.

و معتقد باشد که هیچ چیز در شرافت بسان علم نیست.

قال علی (ع):

لاشرف کالعلم^۶.

و حیات بشر وابسته به علم است.

قال علی (ع):



۳. همان، ص ۴۰.

۴. مجادله / ۱۱.

۵. محمدی ری شهری، همان عنوان ۳۶۷ (العلم)، حدیث ۱۳۳۵۲.

۶. علامه مجلسی، بحار، ج ۷۷ ص ۱۷۵.

۱. محمدی ری شهری، همان، حدیث ۱۳۳۷۳.

۲. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳.

بالعلم تكون الحياه^۱.

و حتى بالاترين حیات اسلام و ستون دین و ایمان وابسته به علم است.

قال رسول الله (ص):

العلم حياه الاسلام و عماد الدين.^۲

قال علی (ع):

العلم حياه الاسلام و عماد الايمان.^۳

و بر این اعتقاد تصلب دارد که کسی که دانشی را احیاء کند هرگز نمی‌میرد.

قال علی (ع):

«ما مات من احبب علماً»^۴.

در پرتوی چنین علمی است که نسبت به حضرت حق و وحدانیتش معرفت پیدا

می‌کند و دل به طاعت و عبادت او می‌سپرد.

قال امیرالمؤمنین (ع):

تعلموا العلم فان تعلمه حسنه بالعلم يطاع الله و يعبد و بالعلم يعرف الله و

يوجد»^۵.

مداد چنین عالمانی است که وقتی در روز قیامت با خون شهیدان مقایسه شود،

خداوند آنها را بر خون شهیدان ترجیح می‌دهد.

قال رسول الله (ص):

«يوزون يوم القيامة مداد العلماء و دم الشهداء فيرجع عليهم مداد العلماء علی دم

الشهداء»^۶

اگر دانشجویی چنین باورهایی داشته باشد هرگز علم را به خاطر مباحثات

ورزیدن در نزد علماء یا فخر فروشی بر عوام و سفیهان، جلب توجه مردم به سوی

۳. محمدی ری شهری، همان.

۴. همان، حدیث ۱۳۳۷۶.

۵. همان، حدیث ۱۳۳۷۷.

۶. همان، حدیث ۱۳۳۸۰.

۷. همان، حدیث ۱۳۳۸۳.

۱. همان، حدیث ۱۳۴۰۱.

خود یا تقرب در نزد حاکمان نخواهد آموخت. چون او می داند آموختن علم به خاطر این انگیزه‌های دون، عذاب و نعمت الهی را در پی خواهد داشت.
قال رسول الله (ص):

من طلب العلم لاربع دخل النار: لیباهی به العلماء او یماری به السفهاء او لیصرف به وجوه الناس الیه او یأخذ به من الامراء.^۱

بدین جهت است که یک دانش پژوه مسلمان در دانشگاه اسلامی، علم را تنها به خاطر کسب رضایت حضرت حق و تقرب درگاه او خواهد آموخت، چون به جد بر این باور است که دخالت دادن هر عامل در عرض وجود بی‌همتای خالق یکتا، موجب حرمان از رحمت الهی و مستغرق شدن در عذاب الهی می‌گردد.
قال رسول الله (ص):

من تعلم العلم لغير الله فليتبوء مفعده من نار.^۲

۴ - حریص بودن نسبت به یافته های نوین علمی

یک دانشجوی محقق مسلمان همیشه در پی یافتن، درک و کسب حقایق نوینی از فراخنای این بیکران گیتی است و گشودن رازهای سر به مهر نهاده‌ی عالم هستی را برای خود محرک وظیفه و برای دیگران هدیه‌ی بزرگ می‌داند.
قال رسول الله (ص):

نعم الهدایه الكلمه من کلام الحکمه.^۲

بدین خاطر فهم اسرار ناگشوده هر یک از پدیده های عالم - که آیتی از آیات الهی هستند - مطلوب، معشوق و گمشده‌ی هر مؤمنی است و مؤمنان در وصول به چنین فهمی از همه لایق‌تر - و بدین جهت مکلف‌تر - هستند.

۲. همان، حدیث ۱۳۵۶۴.

۳. همان، حدیث، ۱۳۵۵۴.

۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۲۲.

قال رسول الله (ص):

الكلمة الحكمة، ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو حق بها.^۱

پژوهشگر مسلم آنچنان قلب مستعد و گیرایی برای پذیرش یافته‌های نوین علمی دارد که حقایق را هر کسی کشف و اعلان نماید، او با تمام وجود آنرا در آغوش می‌کشد و بدان امر اهمیت نمی‌دهد که این مطلب نوین علمی از کدام سرزمین و از چه شخصی بیان شده است.

قال رسول الله (ص):

الحكمة ضالة المؤمن ياخذها ممن سمعها و لا تبالي في اي وعاء خرجت.^۲

به همین خاطر پیامبر - صلی الله علیه و آله - به مسلمانان دستور می‌دهد برای یافتن حقایق نوین علمی حتی به سرزمین‌های دور دست و غیر مسلمان هم مهاجرت کنید. «اطلبوا العلم حتی بالسین».

زمانی پیامبر این دستور را صادر فرموده است که چین مرکز کفر بوده است. پیامبر می‌فهماند که یک مسلمان، عشق به فهم مطالب علمی نوین، باید همه‌ی وجودش را فرا گرفته باشد و برخی تعصبات مانع پذیرش مطالب درست و حقی که از سوی غیر مسلمان کشف و انتشار داده می‌شود، نشود. اگر پژوهشگری به تعبیر امام صادق (ع) به مزایا و ارزش‌های والای آموختن علم آگاه باشد، عشق و حرص نسبت به تعلیم تمام وجودش را محاصره می‌کند و در راه وصول بدان از مرز فرو ریخته شدن خون دلها و فرو رفتن در اعماق دریاها می‌گذرد.

قال الصادق (ع):

«لو علم الناس ما في العلم لطلبوه و لو يسفك المهبج و خوض اللجج»^۳

راه تحقق این خواسته، تشکیل کانون‌های فعال علمی در هر رشته‌ی علمی، در یک دانشگاه است که با محافل علمی و معتبر دنیا، با واسطه یا بی‌واسطه مرتبط باشند و یافته‌های علمی را به روز دریافت نمایند.

۱. همان، ص ۴۶۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. حکیمی، همان، ص ۴۰.

بدین خاطر است که رهبر انقلاب می‌فرماید: «در دانشگاه اسلامی تعبد و تدین به تنهایی شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. دانشگاه ما در صورتی اسلامی است که علاوه بر تعبد و تدین در آن دانش، خلاقیت و ابتکار وجود داشته باشد».

«بعضی‌ها می‌گویند: دانشگاه اسلامی این است که باید در این دانشگاه همه‌ی افراد، متعهد و متدین به اسلام باشند که وظایف اسلامی را انجام بدهند و متدین و متعبد باشند که البته تعبد و تدین یک شرط لازم اما آن چیزی که دانشگاه را دانشگاه می‌کند فقط تعبد و تدین نیست و لذا ما باید برگردیم به تاریخ آن چیزی که یک روز مثلاً در اندلس با نام دانشگاه اسلامی شناخته می‌شد، چه بوده است. در جمع آن دانشگاه مجموعه‌ای از بالاترین تلاش‌های علمی بود که به وسیله‌ی صدها انسان مبتکر و خلاق و دارای ذهنیت‌های بالا اداره می‌شد.»^۱

۵- عزت نفس داشتن و پرهیز از خودباختگی در برابر غربیان

دانش پژوه مسلمان باید بدین نکته متوجه باشد که خداوند سوگند یاد کرده است، مؤمن در نزد من از همه‌ی مخلوقات محبوب‌تر است.

قال رسول الله (ص):

ان الله جل ثمانه يقول: و عزتی و جلالی ما خلقت من خلقی خلقا احب الی من عبدی المؤمن.^۲

قال الصادق (ع):

المؤمن اعظم حرمة من الكعبة.^۳

و حرمت مومن عظیم‌تر از حرمت کعبه است که نقطه‌ی اتصال و التقای قلوب همه‌ی مومنین است.

۱. مصاحبه‌ی مجله‌ی دانشگاه انقلاب، ۶۰/۱۲/۱۵، به نقل از جزوه‌ی اسلامی شدن دانشگاهها، ص ۱۴، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
 ۲. محمدی ری شهری، همان، عنوان ۲۳ (الایمان)، حدیث ۱۳۹۹.
 ۳. همان، حدیث ۱۳۵۹.

فرشتگان مقرب که سبیل کرامت و شرافت هستند، اگر مقام آنها با مقام مؤمن در نزد خدا مقایسه شود مؤمن اشرف از ملایک است.

قال رسول الله (ص):

المؤمن اكرم على اله من الملائكة المقربين.^۱

دانشجوی مؤمن گرچه گوشش برای شنیدن همه‌ی حقایق علمی و قلبش برای پذیرش تمام اکتشافات علمی در هر کجا و از سوی هر کسی صورت بگیرد، آماده است، اما با در نظر داشتن مقام و شرافت ذاتی خویش هیچوقت حاضر نمی‌شود غلام حلقه به گوش فرهنگ وارداتی غربی باشد و هر چیزی که تحت عنوان مطالب و خصایل نوین از سوی فرنگستان به سوی این دیار ارسال می‌شود، پذیرا باشد. با ذهن نقاد خودش هر امری که عقل سلیم، آن را باور داشته باشد و در تعارض با ارزش‌های دینی نباشد، به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد و آن را می‌پذیرد و در حیات روزمره و علمی خود از آن استفاده‌ی احسن می‌نماید. به‌علاوه سعی می‌کند ذهن خلاقش را به کار اندازد تا بخشی از اسرار ناگشوده‌ی گیتی را بگشاید یا فرهنگی را پایه‌گذاری کند که زمینه‌ی پیدایش چنین مخترعین یا مکتشفین را فراهم کند. چون اگر دانشجو یا استادی مقهور فرهنگ وارداتی غربی گردد و به بیماری مزمن و صعب‌العلاج غربزدگی مبتلا گردد، به خاطر این بیماری خود کم‌بینی، ملت نیز از شر او در امان نیست. اگر موقعیتی برای او پیش بیاید، خود و ملت را فدای بیگانگان می‌کند. به این علت معمار و پایه‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام (ره) در وصیت‌نامه‌ی سیاسی خود به صورت مؤکد به همه‌ی نسل‌های آتی توصیه می‌کند که دانشگاه‌ها را از انحراف غربزدگی و شرق‌زدگی حفظ نمایند.

«به همه‌ی نسل‌های مسلمان توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدمساز، دانشگاه‌ها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و

پاسداری کنید و با این عمل انسانی - اسلامی خود، دست قدرت‌های بزرگ را از کشور قطع و آنان را نا امید نمایید»^۱.

به خاطر تنبیه بیشتر مردم، باز به حفظ دانشگاه‌ها توصیه می‌نماید و می‌فرماید: بخش عمده‌ای از ضربه‌هایی که در نیم قرن اخیر به ملت وارد شده است از سوی دانشگاهیان خودباخته در برابر فرهنگ غرب یا شرق بوده است.

«باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه‌ی مهلک زده است، قسمت عمده‌اش از دانشگاه‌ها بوده است، اگر دانشگاه‌ها و مراکز عظیم تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت، و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخایر ایران و طلای سیاه این ملت رنج دیده در جیب قدرت‌های شیطانی ریخته نمی‌شد. ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود»^۲.

یکی از مهم‌ترین نقشه‌هایی که دانش‌پژوهان در اسلامی کردن دانشگاه‌ها می‌توانند داشته باشند آن است که اولاً با آشنا شدن با فرهنگ غنی اسلام، خویش را از خودباختگی در برابر فرهنگ‌های وارداتی مصون نگه دارند و عزت‌نفس داشته باشند و ثانیاً در برابر چهره‌هایی که از روی علم یا جهل مروج فرهنگ فاسد بیگانه هستند، ایستادگی نمایند و نگذارند این بلای خانمان‌سوز در خرمن هستی طبقه‌ی تحصیلکرده ریشه بدواند.

«وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد»^۳.

۱. فرازی از وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی حضرت امام (ره) در خصوص مسائل دانشگاه، به نقل از جزوه‌ی اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ص ۳، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

۱. همان، ص ۳.

۲. همان.

۶- حساس بودن نسبت به سرنوشت مکتب، انقلاب

یکی از نقشه‌هایی که دانشجویان می‌توانند در اسلامی شدن دانشگاهها داشته باشند، این است که این باور را در خود و دیگر دانشجویان بیروارند که سرنوشت آنها از سرنوشت مکتب، انقلاب و میهنشان جدا نیست. آنها نباید تنها درصدد خارج کردن گلیم خویش از معارک و مهالک باشند، بلکه همه‌ی مؤمنان بسان پیکر واحدی هستند که سرنوشت و موقعیت یک عضو، جدای از دیگر اعضاء رقم نمی‌خورد، هر نوع ضربه، بیماری و انحراف یک عضو از امت اسلامی به جمیع امت اسلامی سرایت می‌کند.

قال رسول الله (ص):

«المؤمنون فی تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الحبه اذا اشتکی تداعی له سائره بالسهر و الحمی»^۱.

یک دانشجوی معتقد مسلمان باید درصدد احیاء و ارتقای این باور «امت‌گرایی» و طرد تفکر فردگرایی در خود و سایر معتقدان باشد که او نه تنها در برابر تک تک مسلمانان میهن عزیزش، بلکه در برابر کل آحاد مسلمین گیتی مسؤولیت بس خطیری دارد، و هر حرکت ایزدایی را در اقصی نقاط گیتی علیه مسلم، حرکت خصم آلود علیه خود تلقی کند و با تمام قوا و نیروهایش به مبارزه‌ی پیگیر علیه دشمن پنهان و آشکار، نزدیک و دور، ضعیف و قوی بپردازد. بدین امر معتقد باشد که عدم اعتقاد به چنین موضوعی او را از جرگه‌ی مؤمنین خارج می‌کند.

«لا و الله لایکون المؤمن مؤمناً ابداً حتی یکون لایخیه مثل الجسد اذا ضرب علیه عرق واحد تداعت له سائر عروقه»^۲

اگر دانشجویی چنین اعتقادی نداشته باشد، هر چقدر از جهت علمی، عالِمتر گردد ارزشی ندارد. چون ممکن است به خاطر راحت‌طلبی و عافیت‌طلبی اش دین و کشورش را به بیگانگان بفروشد و به عنوان مزدوری در خدمت بیگانگان در آید.

۱. محمدی ری شهری، همان، حدیث ۱۴۰۳.

۲. همان، حدیث ۱۴۰۴.

به همین خاطر است که رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ، ۲۰/۹/۷۰ می‌فرماید:

«کسی که به دانشگاه وارد یا از آنجا خارج می‌شود، اگر نسبت به انقلاب و دین و کل کشور و استقلال و آرزوهای بزرگ ملی حساسیتی نداشته باشد، این دانشگاه هر چه هم از لحاظ علمی بالا باشد، ارزشی نخواهد داشت، زیرا که محصول این دانشگاه به راحتی در اختیار سیاست‌های مختلف قرار خواهد گرفت»^۱.

یکی از راههای تحقق این آرمان، داشتن تشکل‌های اسلامی فعالی است که فعالیت‌هایشان را به خاطر خدا و حفظ منافع انقلاب اسلامی و بر محور ولایت فقیه انجام دهند و وابستگی آنها به جناح‌های سیاسی خارج از دانشگاه باعث نشود که در داخل دانشگاه به جان یکدیگر بیفتند، به جای اینکه در راه تقویت انقلاب اسلامی و احیای ارزش‌های اسلامی، مبارزه با دشمنان قسم خورده‌ی انقلاب اسلامی و پیروان آنها در دانشگاه پردازند، درصدد طرد و دفع یکدیگر باشند. خلاصه آن که دانشجویان از طرق مختلف می‌توانند در اسلامی شدن دانشگاه‌ها نقش داشته باشند.

ما به برخی از عوامل که تا حدود زیاد در اختیار دانشجویان است، مثل عشق به حضرت حق، تهذیب مستمر، عاشق علم بودن نه طالب مدرک بودن، حریص بودن به یافته‌های نوین علمی، داشتن عزت‌نفس، احساس مسؤولیت کردن در برابر سرنوشت دین و انقلاب اشاره کرده ایم، اما این سخن ما بدین معنا نیست که طرق دیگری برای ایفای نقش دانشجویان نباشد یا در مقوله‌های یاد شده تنها دانشجویان مسؤول باشند، و بقیه‌ی ارکان دانشگاه، دولت و ملت در مورد مسائل مطروحه نقشی نداشته باشند. بلکه در پایان این مقال به صورت مؤکد این نکته را باز می‌گوییم که اسلامی کردن دانشگاه از راه تغییر بنیادی در همه‌ی ارکان دانشگاه با مسؤولیت‌پذیری همه‌ی ملت و دولت امری قابل تحقق هست و گرنه در حد شعار باقی خواهد ماند.

۳. معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، جزوه اسلامی شدن دانشگاهها،